

لحظه ای درنگ ..... (نکات تدبری از سوره مبارکه قاف)

### ✓ قرآن می گوید مجید است و کفار می گویند عجیب:

در اول سوره قاف می خوانیم که خداوند به قرآن مجید سوگند خورده است، مجید یعنی عظمت، وسعت و برتری...

شروع می کنیم به خواندن آیات، قرآن مجید هست ولی عجیب نیست و اینکه کافران می گویند این سخن و این کتاب عجیب است و غیر قابل باور، جای تأمل دارد... جای تأمل و فکر نه تنها برای اینکه چرا آنها این سخن را عجیب می پندارند بلکه بیشتر از این منظر که ببینیم به قول معروف، ما چند مرده حلاجیم و در این داستان ما کجای راه قرار گرفته ایم؟!!!!! ببینیم که در زندگی، ما چه قدر سخن خداوند بزرگ را فهمیده ایم و باور کرده ایم و یا عجیب دانسته و نپذیرفته ایم؟!!!!

معیار برای اینکه بفهمیم چه قدر سخن خداوند را لیبیک گفته ایم، چه قدر پیامبرمان را یاری کرده ایم و یا چه قدر با اهل بیت(ع) مأنوس شده ایم، عمل ماست. عمل ما، مسیر و جهت زندگی ما هر چه بیشتر در مسیر قرآن، سنت و اهل بیت(ع) باشد، یعنی ما بیشتر عظمت و مجید بودن قرآن را فهمیده ایم و سخن خداوند کمتر برایمان عجیب به نظر خواهد رسید.

### ✓ خداوند را راحتتر بشناسیم .....

گاهی تنها شدن و فکر کردن به دور و اطراف، انسان را به خدای خودش نزدیکتر می کند. دور و اطراف، منظوم دغدغه های همیشگی و روزمره گی های تمام نشدنی مان نیست، منظوم دور و اطرافی است که خداوند متعال در آیات بعدی سوره قاف به ما معرفی کرده است: آسمان بلند و باشکوه، زمین پهناور، کوههای محکم و استوار، درختان و گیاهان زیبا و ..... خداوند از تک تک این پدیده ها و نشانه ها با ما حرف زده و سخن گفته است. وقتی کسی صدای خداوند را بصورت زنده از پدیده های با عظمت این جهان بشنود، دیگر کلام خداوند از این کتاب مجید، برایش عجیب نخواهد بود.

نزدیک شدن با طبیعت، ما را به طبیعت و حقیقت وجودمان نزدیکتر می کند. یکی از حاضرین در جلسه، حرف قشنگی می زد، حرفی که به دل می نشست چرا که از دل گفته شد. او می گفت من خیلی وقتها به گلها و گیاهان که نگاه می کنم، به این فکر فرو می روم که چگونه از دل این خاک سخت و سردی که نه بویی دارد، نه رنگی و نه مزه ای، هزاران گل با هزاران طرح و رنگ و عطر مختلف بیرون می زند و رشد می کند؟ آری، خداوند را به همین راحتی می توان فهمید.....

### ✓ خشت اول چون نهد معمار کج ، تا ثریا می رود دیوار کج .....

از سال های اول زندگی، هر کسی می فهمد که مهربانی خوب است و نامهربانی و ظلم و ستم بد ..... خوشرویی، بخشندگی، تواضع چه قدر انسان را عزیز می کند و بداخلاقی، حساست و حسادت انسان را ذلیل.... اما پس چرا هنوز عده ای روی زمین ظلم می کنند و تباهی به بار می آورند؟ چرا با وجود اینکه آثار بد گناه غیبت، دروغ، حسادت را می دانیم، هنوز در محافل و گفتگوهایمان آثار غیبت، دروغ و .. دیده می شود و گویا ترک آن را موجب مرض می دانیم و برایمان نشدنی است؟!!!!

با کمی تأمل، در آیه ۵ سوره، علت را می یابیم. تکذیب دائمی حق، اینکه وقتی حق را شناختی و فهمیدی، مدام بیوشانی و انکار کنی و تکذیب، آخر و عاقبتش می شود (امر مریع) یعنی آشفتگی و وارونگی که این روزها در جامعه مان شاهدش هستیم، یعنی همان کج شدن پایه های اخلاقیات، اعتقادات و باورهایمان.....